

بازارهای روزگیلان

بازارهای روزگیلان

بازارهای روزگیلان

نوشته: ا. فیوضات

در گذشته و امروز دادوستد محصولات کشاورزی به ویژه برنج عمده ترین کالاهای مورد مبادله در این بازارها بوده اند.

تاریخچه پیدایش بازارها

دادوستد و بازار در دوره معین تاریخی پس از مراحل اهلی کردن حیوانات و اضافه تولید کشاورزی به وجود آمده است. جایگاه

کناره دریای خزر و شهرهای گیلان و مازندران هر هفته مرکز پراکنی بازارهای است که از روزگاران گذشته تا به امروز ادامه دارد. این بازارها بسته به محدودیت و یا وسعت آبادیهای اطراف (حوزه نفوذ) شهر یک یا دو روز در هفته به شکل منظم تشکیل می شوند. بازار روز مرکز دادوستد نیازمندیهای اقتصادی روزمره اهالی است. این نیازمندیها



و محل برگزاری این بازارها متفاوت بوده است. در دوره باستان بازارهای شهر از مکان های دیگر آن متمایز بود. گاهی بازارها در خود شهرستان، گاهی در ریش و زمانی میان این دو بنا می شده است (گوهرین ۲۲) بازارهای شهر نیشابور خارج شهرستان و در ریش شهر بوده است. بازارها محل فعالیت ارباب صنایع نیز بوده اند. (گوهرین ۴۳) پس از فتوحات اسلامی بازار و مسجد جامع عامل عمده و اساسی در طرح ریزی

تحت شرایط اقتصادی - اجتماعی حاکم در تحول است. به عنوان مثال زمانی ابریشم عمده ترین کالای مورد مبادله بازار بوده و زمانی دیگر فرآورده های لبنی، دوره ای ظروف مسین در بازار رواج داشته و در دوره ای دیگر ظروف سفالین و یا ظروف پلاستیکی.

کوچک هفته‌ای یا ماهی یکبارتشکیل می‌شده و در اغلب بازارها کالایی به‌خصوصی مبادله می‌شده است. به‌طور مثال بازار طراویس در مسیر روستاهای بخارا در فصل تیرماه افتتاح می‌شد. در این بازار برده و حیوانات خرید و فروش می‌گردید و کالای فروخته شده پس گرفته نمی‌شد (گوه‌رین ۱۳۰)

در یکی از توابع بخارا بازار سالانه در وسط زمستان برای ده روز افتتاح می‌گردید و بازرگانان امتعه، چوب، ماهی‌شور و پوست گوسفند مبادله می‌کردند، در برخی نواحی این بازارها تا ۲۰ روز ادامه می‌یافت و روز ۲۱ به مناسبت نوروز جشن می‌گرفتند (گوه‌رین ۱۳۱).

دادوستد در قرن چهارم در مجموع به شکل پایاپای انجام می‌شد. بازرگانان اجناس مورد فروش را از بازاری به بازار دیگری بردند و در شهرهای بزرگ و کوچک و حتی آبادیها این روش کسب ادامه داشت. (گوه‌رین ۱۳۱)

ابن بطوطه در سفر خود به ایران توصیفی از بازار شهرها به دست می‌دهد. بنا به گفته او بازار ماهشهر از بزرگترین بازارهاست. (ابن بطوطه ۲۱۱). بازار اصفهان به گروه‌های صنفی تقسیم شده و هر صنف دارای رئیس و پیش‌کسوتی است. (ابن بطوطه ۲۱۲)

شهر یزد خاص، کوچک و زیباست و از بازارهای جالب و مسجد جامعی تشکیل می‌شود. شیراز شهر آباد و مشهوری است و هریک از پیشه‌وران در بازار جداگانه‌ای متمرکزند. پس از دمشق کمتر شهری به این زیبایی است (ابن بطوطه ۲۱۶).

بازار تبریز بنام غازان خان نامیده می‌شود و هر صنف بازار ویژه‌ای دارد. بازار جواهرفروشان و یاعنبرفروشان از این نوع به‌شمار می‌روند. (ابن بطوطه ۲۵۳)

بازار شهر خوارزم مملو از جمعیت است و این ازدحام در روز جمعه (تعطیل) کاهش می‌یابد. (۴۰۵) بازار بخارا که در گذشته

شهرهای اسلامی بوده و پیشموران در بازار خاص خود گرد می‌آمدند (اصناف ۵۶). با وجود نظام کهنه بادیه‌نشین و عشیرتی، اعراب جاهلیت به مبادله و بازار آشنائی کامل داشتند و بازارها را در نزدیکی مساجد دایر می‌کردند. سه مسجد جامع بصره در بازارها بنا شده، در مسجد جامع شهر کوفه چنین بوده و مسجد جامع شهر تکریت نیز در وسط بازار بوده است. (اصناف ۲۳)

برخی بازارها در نزدیکی ترعه‌ها و نهرها برپا شده و محل دادوستد کالا و غلامان بوده است (اصناف ۵۹). در شهرهای عربی اسلامی بازارهایی معروف به قیصریه وجود داشته و بافت آنها را مجموعه‌ای از دکان‌ها، کارگاه‌ها، انبارها و واحدهایی مسکونی تشکیل می‌داده که صنعتگران و بازرگانان در آنها اقامت داشتند. (اصناف ۲۳)

رواج مبادله و پیشرفت صاحبان حرف سبب شده که هر شهری دارای بازارهای تخصصی باشد و این بازارها به تدریج به صورت یک سنت درآمد. در سامرا مانند بغداد بازارهایی بر اساس تخصص و حرفه شکل گرفته و صنعتگران بازارهای ویژه خود داشتند. چنین وضعی بر بازارهای سمرقند، اصفهان، موصل، مصر و نیسیل حاکم بوده است. (اصناف ۵۸)

در مدینه بازارهای ویژه خرمافروشان، پرنده‌فروشان، هیئیم فروشان و چشم می‌خورد. (۴) برای هر گروه از بازرگانان و صاحبان حرف در بغداد در زمان منصور خیابان ویژه‌ای در نظر گرفته بودند. (اصناف ۵۷)

شهری دارای بازارهای آبادان بوده و این بازارها سراها و حجره‌ها و مرکز آمد و شد کاروانها، تجار و مال‌التجاره آنان بوده است مهم‌ترین این بازارها بازار روده است که بناهای زیادی در اطراف آن دایر بوده است. (گوه‌رین ۴۸)

در دوره سامانیان بازارهای شهرهای

مرکز بازرگانی و اصناف بوده، در زمان ابن بطوطه، به علت تهاجم مغولان به شکل مخروبه‌ای درآمدن است. (۴۱۶) بازار استانبول که با تخته‌سنگ مفروش است، شب هنگام بسته می‌شود و جالب اینجاست که فروشندگان آن بیشتر زن می‌باشند (ابن بطوطه ۲۹۵).

از این همه بازارها که بر شمردیم برخی ثابت و دائمی و برخی سیار و یا فصلی است - در این مقاله نگاهی گذرا به وضع بازارهای روز هفتگی گیلان می‌اندازیم و به علل گوناگونی که این بازارها را در شمال (گیلان و مازندران) تا بحال برپا نگهداشته است می‌پردازیم . از این گذشته علل انزوای بازارهای روز یا فصلی در سایر نقاط ایران را مرور می‌کنیم . بازارها معمولاً " در مراکز برپا می‌شدند که دسترسی مردم روستاها و آبادیهای دور دست به آنها سهل می‌بود . در دورانی که جاده شوسه و اتومبیل وجود نداشت روستائیان مسافت زیادی را طی می‌کردند تا روز پیش از برگزاری بازار بدانجا برسند و مقدمات تشکیل بازار را فراهم آورند .

ایجاد جاده‌ها و تمدن شهری در محدودیت و انزوای پاره‌ای بازارها نقش داشته است . وجود جاده‌ها باعث شد که روستائیان بتوانند به سرعت روانه شهر و بازار شوند . رشد و توسعه جاده‌ها از اهمیت بازار روز کاسته، اما سبب انزوای کامل آن نگردیده است .

مؤلف کتاب تالشی‌ها کیستند؟ می‌نویسد که " بازار ... یک پدیده سنتی است که با رشد جوامع شهری و برجیده شدن مناسبات فئودالی به تدریج ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهد، تا جایی که واپسین نمونه‌های آنرا در عقب مانده‌ترین نواحی و جوامع روستائی باید جستجو کرد ... " (عبیدی ۶۷) .

در اینجا لازم به یادآوری است که بازارهای

روز در مراکز کشورهای صنعتی نظیر فرانسه که قرن‌هاست فئودالیسم را بخاک سپرده‌اند در گوشه و کنار پاریس به شکل منظم برپا می‌شود و کشاورزان خود محصولات تولیدی خویش را با قیمت مناسب‌تری نسبت به دکانداران در بازار روز عرضه می‌کنند . و چون کالاهای آنان از تولید مستقیماً " به بازار مصرف می‌رسد (بدون واسطه و دلال) بازار روز را رونقی می‌بخشد و مشتریان ثابتی را برای آن حفظ می‌کنند .

اما آنچه که بازارهای روز را در کناره دریای خزر برپا نگهداشته و در ادامه بحثی است که نویسنده کتاب تالشی‌ها کیستند؟ خود بدان معترف است . وجود بارندگی فراوان و آب نسبتاً زیاد و وسعت دیم‌کاری در استانهای گیلان و مازندران و وجود مالکیت‌های خرد زراعی است که سبب شد زراعتین تولید کوچک خود را به بازارها بیاورند و هم تولیدکننده محصولات باشند و هم فروشنده آنها . (۱) اما در مناطقی که کمبود آب مساله است، مالکیت‌های بزرگ رشد می‌کنند و آب همولاً " به عنوان مهمترین ابزار تولید زراعی و شبکه آبیاری در اختیار آنان قرار دارد . در چنین شرایطی واسطه‌گری و دلالی نیز رشد می‌کند و عمده شدن واسطه‌گری از یک سو مانعی بر رشد مالکیت‌های خرد می‌شود، و از سوی دیگر وجود چنین فضایی به گسترش احتکار، ایجاد انبارها و سردخانه‌ها می‌انجامد و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها را به دنبال می‌آورد . در این اوضاع و احوال تولید کنندگان خود مجبورند، محصولات خویش را قبل از آوردن به بازار تقدیم واسطه‌ها و مالکین بزرگ کنند و یا پیش‌فروش نمایند . بدین ترتیب بازار روز خود بخود از عرضه فعالیت خارج می‌شود و به انزوا می‌گراید . چنین روندی زمینه مناسبی برای رشد و تمرکز مالکیت‌های بزرگ و یا محترکین عمده و دستیاران آنها یعنی واسطه‌ها و دلالان

فراهم می‌آورند. سلف‌خری نه تنها در کار تولید کشاورزی و بازار آن اثر می‌گذارد، بلکه چنین زمینه‌ای در فعالیتهای دامی نیز مشاهده می‌شود. بدین معنی که سهم اساسی سود نه به تولیدکننده و مصرف‌کننده، بلکه در اختیار واسطه و سلف‌خر قرار می‌گیرد. دامداری سنتی شمال نیز به علت وابستگی به طبیعت و نه تکنولوژی و عوامل اقتصادی - اجتماعی به شکل خرد و محدود باقیمانده است. (۲)

همانگونه است وضع مرغداری و اردک - داری در منطقه و این جماعت، فروشندگان جدی بازار روز را تشکیل می‌دهند.

بدون شک موقعیت اقلیمی و جغرافیای طبیعی اقتصاد شمال ایران امکان پراکندگی زندگی خانوارها در عین تمرکز بیشتر (نسبت به سایر نقاط ایران) در کیلومتر راداده است. این ویژگی شمای سبب شده که آگاهی اجتماعی و همبستگی روستائیان و کشاورزان نسبت به حقوق خویش در این منطقه فزونی گیرد و سدی بر گسترش مالکیت‌های بزرگ ارضی به وجود آورد. در زمستان و بهار ۸۶ - ۱۲۸۵ دهقانان رشت، تنکابن، لنگرود و رودسر، شورش کرده و از پرداخت مالیات امتناع ورزیدند. .. نهضت جنگل که از سال ۱۲۹۴ حدود ۶ سال فعالیت داشت، عوارض و بیگاری را منسوخ کرد و سیستم مزارع را به سود دهقانان اصلاح نمود. کنترل آب به وسیله جنگلیها بود و به شکایات دهقانی رسیدگی می‌شد. بدین ترتیب در استان گیلان تنها مقدار ۳۲ واحد بزرگ بهره‌برداری (از ۵۰ هکتار به بالا) با مساحتی به وسعت حدود ۶۳۸۵ هکتار وجود دارد و این در مقایسه با آمار کل کشور که ۲۵۸۲۲۴ واحد بزرگ بهره‌برداری با وسعت ۳۵۲۶۶۰۳ هکتار را نشان می‌دهد رقم ناچیزی است. یعنی واحدهای بزرگ بهره‌برداری در گیلان حدود ۲ درصد مالکیت

بزرگ کشور است. وسعت زیر کشت واحدهای بزرگ گیلان به نسبت وسعت واحدهای بزرگ بهره‌برداری کشور رقم ۵/۰۰۲ درصد می‌باشد. (مرکز آمار ۱۶) وجود مالکیت‌های کوچک و خرد زراعی در شمال به تقویت بازارها کمک شایانی کرده است.

این موقعیت جغرافیایی و اقتصادی حتی در طبقه‌بندی حرف و پیشه‌ها در منطقه موثر بوده است. بدین معنی که گوه نشینان (تالشی‌ها) را دامدار و غله‌کار بار آورده و جلگه‌نشینان را به زراعت (برنجکاری) و باغداری (چای و مرکبات) تشویق کرده است (عبدلی ۶۹).

کارهای دستی و صنایع خانگی به فعالیت‌های فصلی آنان کمک می‌کند. تولید چادرش ابریشمی در قاسم‌آباد نمونه ظریف و برجسته‌ای از کار زنان آنجاست. از گل رس ظرفی برای طبخ غذا درست می‌کنند که به زبان محلی گمخ خوانده می‌شود. از چوب سینی تولید می‌شود که برای پاک کردن برنج بکار گرفته می‌شود (بنام تبحیه) کارهای چوبی دیگر از قبیل: جارختی، قندان، جای قاشق و چنگال و غیره بخش قابل توجهی از بازار را دربر می‌گیرد. در تابستان گیوه پارچه‌ای وارد بازار روز می‌شود. صاحبان حرف در بازار روز نقش ویژه خود را دارند: مسگران، آهنگران، نعلبندان، زرگران، چینی‌بند زنان، سلمانی‌ها، هر کدام به شکلی نیازمندیهای اهالی را برطرف کرده و وجودشان در بازار سبب خوشحالی مصرف‌کنندگان می‌گردد.

اهمیت و اعتبار بازارها آنچنان است که گاهی برپایی بازار به تدریج جایش را به شهرکها داده است. این تحولات گاهی به رشد و پیدایش شهرکها و زمانی به انزوای برخی آبادیها انجامیده است. براساس نوشته تالشی‌ها کیستند: شهرنشینی در شمال ایران در ارتباط با بازارهای روستایی بوده

است (۷۲) برخی از شهرها به نام بازار روز نامیده می‌شدند و از آن جمله است سنگر که دوشنبه بازار هم نامیده‌اند.

هرچند بررسی دقیقی از شهرنشینی در شهرهای شمال ایران به عمل نیامده و تحقیقاتی که بتواند ارتباط میان تحولات شهری و بازار روز رانشان دهد کمتر مشاهده می‌شود. اما این نگرش که بازارها باعث پیدایش شهرکها شده‌اند به نظر جالب و نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد که از حوصله این مقاله خارج است.

بر اساس آماري که کتاب تالشی‌ها کیستند می‌دهد، تعداد زنان فروشنده در این بازارها در حدود $\frac{1}{8}$ فروشندگان مرد است (۳) (۸۴) در محله‌هایی در آمل بازارهای ثابت روزانه تشکیل می‌شوند و بیشتر فروشندگان این بازار زنان هستند و اجناس مورد فروش آنان اغلب سبزیجات می‌باشد. زنان روستایی گیلان اغلب عرضه‌کننده کارهای دستی و خانگی نظیر: دستکش، بافتنی، جوراب، شال‌گردن (در فصل زمستان) و فلا بدوزی می‌باشند. زنان همچنین فروشنده مرغ، اردک، تخم مرغ و سبزی صحرائی‌اند. زنان روستایی در تولید و گاهی فروش کارهای دستی چوبی نظیر: کلاه حصیری، زنبیل، اسفله حصیری (۴) رنگی با مردان شریکند. زنان در مجموع نقش مهمی در بازار روز دارند. این نقش هم شامل فروشنده می‌شود و هم خریدار.

صرفنظر از مبادلات کالائی و شرایط اقتصادی حاکم بر بازارها، این پدیده، یادگار نیک گذشته و سنت گردهم‌آییهای مردمی است که از نقطه نظر اجتماعی و فرهنگی قابل تحقیق و بررسی است. در اینجاستلاش می‌شود به اختصار به برخی جنبه‌های اجتماعی - سنتی بازارها نگاهی بیافکنیم. بازار روز در گذشته مرکز برپائی جشنها و جشنواره‌ها

بوده است. (۵) * (عبدلی ۶۵).

همانگونه که بازار روز بخارا تا عید نوروز ادامه پیدا می‌کرده در گذشته برپائی این بازارها با نمایشات پهلوئی توأم بوده است. کشتی گیلردی در زمره این مراسم است. نمایش با حیوانات (خرس، میمون، شیر و مار) انجام می‌گرفته است. مهرکه‌گیران، بندبازان و شعبده‌بازان به کارهای محیرالعقول می‌پرداختند. لوطیان، دایره‌زنان، قوالان به نوعی باعث گرمی بازار می‌شدند. نقالان سخنرانان و اهل مناظره، خطابه‌و شاعران مجلس بحث و گفتگو ترتیب می‌دادند و تعدادی افراد را سرگرم اینگونه مجالس می‌کردند (عبدلی ۶۶).

بازار روز بسته به وسعت آبادیهای اطراف شهر یک یا دو روز در هفته تشکیل میشود. در کلیه مناطق گیلان و مازندران چنین بازارهایی برپا می‌شود به عنوان مثال در منطقه لنگرود تا کلاچای گیلان: شنبه و چهارشنبه بازار در لنگرود، یکشنبه در رودسر، دوشنبه در رحیم‌آباد، سه‌شنبه در آخوندمحله، پنجشنبه در کلاچای و جمعه بازار در ماچیان برپا می‌شود. علاوه بر بازار روز، بازارهای فصلی (۶) در قاسم‌آباد (نزدیک کلاچای) برای چهار جمعه در سال تشکیل می‌شود. این بازار از یک سو چند جشنواره دارد، زیرا مردم بهترین لباسهای محلی خود را می‌پوشند، و از سوی دیگر این بازار دارای مراسم و جنبه‌های سنتی زیارتی است. دیدوبازدید اهالی که در طول سال به سختی صورت می‌گیرد در این روز مورد استقبال قرار می‌گیرد. حتی زمینه برخی ازدواج، و عروسی‌ها در همین دید و بازدیدها فراهم می‌گردد.

در پایان تا زمانی که نظامهای خرد کشاورزی از نقطه نظر زمین و آب از قدرتی بهره‌مند باشند، و نقش دلالی و واسطه‌گری در کار کشاورزی چشم‌گیر نباشد، بازار روز

(۵) بازار عکاظ به شکل جشنواره تا ۲۵ روز ادامه می‌یابد این سنت برپائی و جشن همه‌ساله دو روز در اکسفورد انگلستان برپا می‌شود. نمایش کودکان، فیلم و تئاتر و خرید و فروش حیوانات و وسایل کشاورزی و اغذیه و آشامیدنی در آنجا چشم‌گیر است.

(۶) بازارهای فصلی در جوبیار (حسن رضا بازار) مازندران و بازارهای دیگر در اواخر تیر و اوایل مرداد در شیرگاه مازندران برپا می‌شود. این بازارهای موسمی است که سالانه بر اساس سنت دیرینه در شمال برپا می‌گردد (عبدلی ۶۴).

منابع و مأخذ:

- ۱ - رحله ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحّد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، دو جلد تهران ۱۳۶۱.
- ۲ - سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی، مرحله دوم سرشماری کشاورزی ۱۳۵۳، شماره مسلسل ۷۲۲ اسفندماه ۱۳۵۵.
- ۳ - صباح ابراهیم سعید الشیخلی، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲ ص ۵۶.
- ۴ - علی عبدلی، تالشی‌ها کیستند؟ انتشارات دهخدا، انزلی ۱۳۶۳. (بامراجعه به این کتاب می‌توان اطلاعات بیشتری در زمینه بازار روز کسب نمود).
- ۵ - سید صادق گوهرین، حجه‌الحق ابوعلی سینا، کتابخانه ایران، تهران ۱۳۳۱.
- ۶ - لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۳۷ و ۱۳۶۴ ص ۱۹۱.
- ۷ - مصاحبه با مطلعین بومی



به‌حیات خود ادامه می‌دهد. هرچند نقش و نفوذ سنتهای اجتماعی - فرهنگی آن با گذشت زمان (سخت‌رانی، کشتی‌گیری، بازیها و نمایشات گوناگون بازی با حیوانات...) رو به‌کاهش می‌گذارد و مشتری کمتری را جلب میکند و بیشتر زیر نفوذ مساله مبادلاتی و اقتصادی روزمره قرار می‌گیرد. ناگفته‌نماند که سیاست حاکم می‌تواند از بازار روز به عنوان جایگاه نمایش، تشویق و فروش صنایع دستی روستایی و منطقه‌ای حداکثر استفاده را به‌عمل آورد.

(۱) وجود امر تعاون و نهادهای تعاونی در اینگونه جوامع می‌تواند شکل ریشه‌دار و عمیقی بخودگیرد.

(۲) دامداران در روزهای نزدیک به عید قربان گوسفند برای فروش به بازار روز می‌آورند.

(۳) ناگفته نماند که فروشندگان پنجشنبه بازار میناب (هرمزگان) اغلب زنان هستند و کالائی که آنان عرضه می‌کنند بیشتر سبزی و ماهی است.

به‌علاوه زنان روستاهای مازندران بازار روزانه‌ای دارند که از ساعات خیلی زود صبحگاهی (۴ صبح) شروع و تا پیش از ظهر ادامه دارد. در اینجا هر که زودتر وارد بازار شد، جای مناسب‌تری برای خود دست و پا می‌کند. کالاهائی که با خود می‌آورند عبارتند از سبزی دسته‌بندی شده، تخم مرغ مرغ که در زنبیل‌ها جاسازی کرده‌اند. برای آمدن بازار زنان روستائی مجبورند روز قبل کار فراوانی را انجام دهند و گاهی با بچه به‌پشت وارد بازار شوند.

(۴) حصریابی بیشتر در غازیان منطقه انزلی به‌علت مردابها و وجود نی متداول است.